

## نقش قوه خیال در تکون بهشت یا جهنم درون انسان

نرگس موحدی<sup>۱</sup>

### چکیده

بهشت و جهنم در برزخ و آخرت، حاصل عینیت «عمل» با «جزا» در همین دنیا هستند. آنچه عینیت میان عمل و جزای آن را ممکن می‌سازد، فاعلیت قوه خیال نفس در صدور صور مثالی متناسب با عمل است که مجموع این صور مثالی را «بهشت یا جهنم درون» می‌نامیم. مسئله اساسی این پژوهش، بازشناسی - نه صرفاً شناخت - فاعلیت قوه خیال در تکون بهشت یا جهنم در درون انسان، با بهره‌گیری از روش تحلیلی است. یافته اصلی پژوهش جاری، که با تکیه بر روی آورد تحلیل سیستمی مبانی نفس‌شناسی صدرالمتألهین در دو مقام «تجرد مثالی قوه خیال و تکون بهشت درون» و «انشاء صور و تکون بهشت درون» به دست آمده است، حاکی از فاعلیت قوه خیال نفس در خلق صور مثالی متناسب با دریافت‌های خود از حواس پنج‌گانه و افکار است. این صور، در مرتبه خیال نفس باقی می‌مانند و اگر حاصل این صور، همخوان با نعمات و ویژگی‌های بهشت باشد، انسان در بهشت درون خود به سر می‌برد و اگر ویژگی‌های جهنم و جهنمیان بر آن صادق باشد، هم‌اکنون در جهنم درون می‌سوزد.

واژگان کلیدی: فاعلیت، قوه خیال، بهشت درون، جهنم درون، تکون.

۱. دانش‌آموخته دکترای فلسفه و کلام اسلامی و پژوهشگر گروه فلسفه، کلام و عرفان پژوهشگاه معارف اسلامی جامعه

الزهراء، قم، ایران: n.movahed92@yahoo.com

## مقدمه

بهشت، مکانی سرشار از نعمت، خشنودی، امنیت،<sup>۲</sup> سلامتی،<sup>۳</sup> کرامت،<sup>۴</sup> حیات<sup>۵</sup> و خوشی<sup>۶</sup> است که به منظور پاداش اعمال، افکار و نیات حسنه<sup>۷</sup> به انسان داده می‌شود و بهشتیان در نهایت آرامش و بهجت،<sup>۸</sup> عاری از خشم و رنج حسادت و کینه،<sup>۹</sup> دور از خوف و حزن<sup>۱۰</sup> و تنگ نظری به سر می‌برند. از سوی دیگر، جهنم، جایگاه ترس و وحشت، خواری بسیار،<sup>۱۱</sup>

۱. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ «(بهشت، دارالرضاست) چون خداوند از بنده، راضی است و بنده از خداوند، راضی است. این است رستگاری بزرگ». (مائده: ۱۱۹)
۲. «لَا يَمَسُّهُ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ بِمُخْرَجِينَ»؛ «درحالی‌که در آنجا، هیچ رنج و زحمتی به آنها نرسد و هرگز از آن بهشت ابد بیرونشان نکنند». (حجر: ۴۸)
۳. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۳) و «اللَّهُ دَاوِلُ السَّلَامِ عِتْدَرِيَهُمْ وَهُوَ يُبَلِّغُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (انعام: ۱۲۷).
۴. «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (يونس: ۲۵). دارالسلام، نمایانگر محیطی آرام و امن است که سراسر صفا و صمیمیت بوده، صلح و آرامش در آن موج می‌زند.
۵. «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَئِي الْحَيَواتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴). و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر مردم می‌دانستند، قطعاً سرای آخرت به یقین همان زندگی با دوام است.
۶. «وَقَالُوا الْمُتَعَدِّ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر: ۳۴ و ۳۵). بهشتیان زبان به حمد و ستایش حق می‌کشایند و شکرگزار خداوندی می‌شوند که هرگونه حزنی را از آنها برطرف کرده است.
۷. پیامبر ﷺ فرمود: «الْبَيْتَةُ الْحَسَنَةُ تُدْخِلُ صَاحِبَهَا الْجَنَّةَ؛ نَيْتٌ خَوْبٌ، صَاحِبُ خَوْبٍ رَا بِيهِ بَهْشْتٌ مِي بَرْد.» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۷۱۹، ح ۳۱۶۳)
۸. «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ» (حجر: ۴۶). به آنها خوشامد می‌گویند و آرامشی کامل را که نمایانگر خروج هرگونه کینه و کدورتی از سینه‌های آنهاست، به آنها بشارت می‌دهند.
۹. «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»؛ «و ما آیینه دل‌های پاک آنها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند به‌کلی پاک و پاکیزه ساختیم و همه برادروار روبروی یکدیگر بر تخت‌های عزت بنشینند». (حجر: ۴۷). نکته لطیف اینکه کلمه «نزع» از معنای خاصی برخوردار است و آن این است که چنان از دل‌های آنان غل و غش و کینه و کدورت را بیرون می‌کشیم که گویی هرگز آلودگی و کدورتی نداشته‌اند.
۱۰. «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ»؛ «امروز به همان‌ها خطاب شود که [در بهشت، بی‌هیچ خوف و اندیشه و بی‌هیچ‌گونه حزن و اندوه داخل شوید». (اعراف: ۴۹)
۱۱. «رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»؛ «پروردگارا! بی‌تردید هرکه را تو در آتش درآوری، قطعاً خوار و رسوایش کرده‌ای و برای ستمکاران هیچ یاری وجود ندارد». (آل عمران: ۱۹۲ و فصلت: ۱۶)

نامانی و تنگ نظری،<sup>۱</sup> تکرار آزار دهنده،<sup>۲</sup> اندوه پایدار،<sup>۳</sup> حسرت بسیار<sup>۴</sup> و مصاحبت با انسان های پست و شیاطین<sup>۵</sup> است که سبب ذلت و خواری،<sup>۶</sup> رنج و درد، تحقیر بسیار<sup>۷</sup> و اضطراب و ناامنی برای جهنمیان می گردد و در آخرت، بدکاران در آن فروافکننده می شوند. (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۲)

این ویژگی ها، از ذاتیات بهشت و جهنم به شمار می روند و - علاوه بر بهشت حضرت

۱. «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَيَتَرَهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ «و کسانی که مرتکب بدی ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و آنان را خواری فرامی گیرد. برای آنان از [خشم و عذاب] خدا، هیچ حافظ و نگهدارنده ای نخواهد بود؛ گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب تاریک پوشیده شده است. آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند.» (یونس: ۲۷)
۲. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّبُهُمْ نَارًا كَأَنَّمَا تَصْبُجَتْ يَجْلُبُهُمْ نَبْلًا غَيْرَهَا»؛ «آنان که آیات ما را انکار کردند، به زودی آنها را وارد آتش کنیم، که هر وقت پوست بدنشان بسوزد، پوست های جدید در بدنشان برویانیم تا سختی عذاب را بچشند؛ زیرا که خداوند قدرتمند و حکیم است.» (نساء: ۵۶)
۳. «كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ»؛ «هرگاه بخواهند به سبب اندوه [فراوان و غصه گلوگیر] از دوزخ درآیند، به آن بازشان می گردانند و [به آنان می گویند:] عذاب سوزان را بچشید.» (حج: ۲۲)
۴. «يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ»؛ «خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند.» (بقره: ۱۶۷)
۵. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كُنْتُ بِعَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا آتَاكُمْ بِمُضْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُضْرِحِي إِيَّيْكُمْ بِنُصْرِي إِيَّيْكُمْ وَمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «و شیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می گوید: یقیناً خدا [نسبت به برپایی قیامت، حساب بندگان، پاداش و عذاب] به شما وعده حق داد، و من به شما وعده دادم [که آنچه خدا وعده داده، دروغ است، ولی می بینید که وعده خدا تحقق یافت] و [من] در وعده ام نسبت به شما وفا نکردم، مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوت مرا] پذیرفتید، پس سرزنش نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید، نه من فریادرس شمایم، و نه شما فریادرس من، بی تردید من نسبت به شرک و روزی شما که در دنیا درباره من داشتید [که اطاعت از من را همچون اطاعت خدا قرار دادید] بیزار و منکرم؛ یقیناً برای ستمکاران عذابی دردناک است.» (ابراهیم: ۲۲)
۶. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ننگ در روز قیامت، آدمی را رها نمی کند؛ چندان که می گوید: پروردگارا! مرا به آتش بفرستی برابم آسان تر است از این حالی که دارم. با آنکه از سختی عذاب آن آگاه است.» (المستدرک علی صحیحین، ج ۴، ص ۶۲۰، ح ۷۸۲)
۷. «تَلَعَّحْ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ»؛ «آتش، [همواره] صورت هایشان را می سوزاند و آنان در آنجا [از شدت سوختگی،] زشت رویانی بدمنظرند.» (مؤمنون: ۱۰۴)



آدم و حوا که در قوس نزول بوده است<sup>۱</sup> و بهشت و جهنم برزخی<sup>۲</sup> و اخروی<sup>۳</sup> که در قوس صعود واقع می‌شوند. بر «بهشت و جهنم درون» انسان‌ها نیز صدق می‌کنند. بهشت و جهنم درون، حاصل «عینیت عمل و جزا» است که در مرتبه خیال نفس و به وسیله قوه خیال در همین دنیا، انشا و خلق می‌شوند. هر آن کس که صورت مثالی خلق شده در درونش، همانند نعمات بهشتی و ویژگی بهشتیان باشد، در همین دنیا، در بهشت درون خویش است و هر آن کس که صورت مثالی انباشده در درونش، مطابق عذاب‌های دوزخ باشد، هم اکنون در جهنم درون به سر می‌برد و تا هنگام مرگ، این ساخت و پرداخت ادامه دارد. توصیف بهشت و جهنم درون، در واقع، توصیف یک حقیقت وجودی است که در درون همه انسان‌ها قرار دارد.

تجرد و ادراک برزخی قوه خیال، امری است که در پژوهش‌های مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است. اما مسئله اصلی در این مقاله، بازپژوهی فاعلیت قوه خیال در صدور صورت مثالی در نهاد انسان و تبیین ارتباط آن با تکون بهشت یا جهنم در درون

۱. در قوس نزول و قبل از خلقت سایر انسان‌ها، حضرت آدم و همسرش در بهشتی بوده‌اند (ر.ک: طه ۱۲۰-۱۲۱) که نه به سبب اعمال ایشان، بلکه هبه‌ای از سوی خداوند به آنان بوده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۲۱). درباره «بهشت آدم ابوالبشر»، سه قول وجود دارد: یک. برخی معتقدند این بهشت، باغی از باغ‌های سرسبز دنیایی بوده است. دو. همان بهشت موعود در آخرت است. سه. بهشتی در آسمان و جدای از بهشت موعود در آخرت است (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲). صدرالمتألهین معتقد است این بهشت، غیر از بهشتی است که در آخرت به متقین وعده داده شده است. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۲۹۹)

۲. انسان بعد از مرگ، فوراً به بهشت یا جهنم اخروی وارد نمی‌شود و تا زمان برپایی قیامت، در عالم برزخ به سر می‌برد؛ آیتی که اشاره به بهشت برزخی دارند، عبارت‌اند از: یس: ۲۶-۲۷؛ حج: ۵۸-۵۹ و آل عمران: ۱۶۹. روایات بسیاری از معصومین علیهم‌السلام، دال بر بهشت و جهنم برزخی صادر شده است. ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۳۰ و ص ۲۶۸، ح ۱۱۹؛ کلینی، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۱. مکانی را که در برزخ، شایسته مؤمنان باشد، بهشت برزخی گویند و جایگاه بدکاران در برزخ را جهنم برزخی می‌نامند؛ «جنة البرزخ... لا يكون لكل أحد إلا بعد انقضاء حياته الدنيوية بموته». (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۲۱)

۳. به اعتقاد صدرالمتألهین، بهشت و جهنم اخروی (آیات دال بر بهشت و جهنم اخروی: ر.ک: صفات: ۴۱-۴۳؛ نجم: ۱۳-۱۵؛ مریم: ۶۱؛ فرقان: ۱۵-۱۶ و...)، همانند بهشت و جهنم برزخی هستند و تفاوت آن، در شدت و ضعف و نقص و کمال است؛ «الفرق بين الصور التي يراها و يكون عليها الإنسان في البرزخ و التي يشاهدها و يكون عليها في الجنة و النار عند القيامة الكبرى، إنما يكون بالشدّة و الضعف و الكمال و النقص». (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۳۵)

انسان‌هاست. مسئله اساسی این جستار را می‌توان در چند سؤال فرعی، موشکافی کرد: مبانی نفس‌شناسی فاعلیت قوه خیال در نظام نفس‌شناسی صدرالمتألهین کدام‌اند؟ مجرد مثالی قوه خیال، چه نقشی در تکوین بهشت درون دارد؟ ادراک برزخی به معنای انشای صور در مرتبه خیال نفس، چگونه به تکوین بهشت یا جهنم در درون انسان منجر می‌شوند؟ فاعلیت خیال در تکوین بهشت و جهنم درون با فاعلیت خیال در تکوین بهشت اخروی چه تفاوتی دارد؟

### فاعلیت خیال در تکوین بهشت درون

ملاصدرا با تکیه بر مبانی فلسفی خود، توانسته جایگاه قوه خیال را بازشناسی کرده و معنای نوین و کارکردهای خاص قوه خیال را ارائه کند. مقصود از قوه خیال، یکی از قوای باطنی، به عنوان خازن صور نیست. صدرالمتألهین در دیدگاه نهایی خود، از پذیرش قوه خیال به عنوان خازن صور، عبور کرده و خیال را یکی از مراتب نفس می‌داند که غیر از مرتبه عقلی و مرتبه حسی است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱). اگر خیال را خازن صور بدانیم، به سبب آنکه به طور مستقیم، نقشی در ادراک ندارد، جایگاهی در تکوین بهشت و جهنم نخواهد داشت. مهم‌ترین کارکرد خیال، فاعلیت و خالقیت است. همان‌طور که اضافه نفس در بدن، «اضافه تدبیر» است، اضافه مرتبه خیال نفس نسبت به عالم خیال متصل و بدن مثالی، «اضافه فاعلیت و ایجاد» است (همان، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۸ و ۲۷) و حاصل این فاعلیت در مرتبه خیال، تکوین مجموعه‌ای از صور و مخلوقات است که متناسب با اعمال، افکار و نیات انسان انشا شده‌اند.

فهم اینکه صورت مثالی هر عمل، به چه صورتی در نهاد انسان انشا می‌شود، حقیقتاً دشوار است و بیان مصادیق این صور کلی - به جز مواردی که اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن کریم اشاره کرده‌اند - از عهده عقل خارج است و تنها خداوند متعال و معصومین علیهم‌السلام به این امر آگاه هستند. البته بسیاری از اولیای الهی، که چشم الهی آنان در این دنیا گشوده شده، از سازه‌های باطنی انسان‌ها، نکاتی را در کتب خویش بیان کرده‌اند. در هر صورت، نمی‌توان به راحتی مصداق صور حاصل از فاعلیت خیال را در درون انسان‌ها به دست آورد. فاعلیت خیال در نهاد انسان، مبتنی بر مبانی متعددی است.

### مبانی فلسفی فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون

از آنجاکه در روی آورد عملیاتی در مقام پژوهش، پیش فرض‌انگاری مبانی ضرورت دارد، از تفصیل و بسط بی‌دلیل و غیرضروری مبانی خودداری و به بیان اشاره‌وار هریک بسنده می‌کنیم. مبانی فلسفی فاعلیت قوه خیال، شامل مبانی عام نظام فلسفی صدرا همچون: اصالت وجود، تشکیک مراتب وجود و حرکت جوهری و مبانی خاص نفس‌شناسی صدرا مانند: حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس، استکمال نفس با حرکت جوهری اشتدادی و تجرد برزخی خیال است.

هریک از این مبانی، به گونه‌ای نظام‌مند و پیوسته، دیدگاه صدرا در باب فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون را توجیه و تبیین می‌کند. بنا بر ایده صدرا مبنی بر حدوث جسمانی، نفس از ابتدای حدوث، مستعد حرکت به سوی تکامل است (همان، ۱۳۶۱، ص ۲۳۵) و به سبب وجود چنین جوهر دارای سیلانی که هر لحظه در حال اشتداد است، به سوی تجرد پیش می‌رود (همان، ص ۲۴۲). اولین مرتبه از این تجرد، تجرد برزخی در مرتبه خیال نفس است (همان، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹). اثبات تجرد خیال، ادراک برزخی را برای آن اثبات می‌کند. معنای ادراک در دیدگاه صدرا، صدور و انشای صور است و فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون، چیزی جز انشای صور نیست (همان، ۱۳۶۱، ص ۲۳۸). از میان ویژگی‌های متعدد قوه خیال همچون: «تجرد مثالی، انشای صور، جزئی بودن صور، قابلیت تبدل و تحول‌پذیری سریع صور، درک امور متضاد و متناقض و تفصیل و ترکیب صور»، دو مؤلفه «تجرد مثالی» و «انشای صور»، از جایگاه مهم‌تری در فاعلیت نفس و فرایند تصویرسازی در درون انسان برخوردارند که کارکرد این دو مؤلفه در تکوّن بهشت درون تبیین می‌شود.

### تجرد مثالی خیال و تکوّن بهشت درون

صدرالمتألهین، رأی ابن سینا درباره انحصار تجرد عقلی نفس را نپذیرفت و استدلال‌های متعددی برای اثبات تجرد قوه خیال عرضه کرد (همان، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۴۷۵ - ۴۸۷ و ج ۸، ص ۲۲۶ - ۲۳۰). به باور او، آنچه قابلیت ادراک را برای قوه خیال فراهم می‌سازد، تجرد برزخی آن است (همان) و «تجرد»، یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های خیال در «تصویرسازی» مبدأ علمی و شناختی فرایند صدور فعل محسوب می‌شود. در این نوع تجرد، صور، فاقد ماده



و دارای کم و کیف، وضع و شکل، صورت، رنگ، امتداد، حرکت و مقدارند (همان، ۱۳۶۱، ص ۱۰۵) و وجود قائم به نفس دارند.

این صور به سبب اینکه فاقد ماده‌اند، برای ظهور و بروز در نفس، با مانعی روبه‌رو نیستند و همانند امور مادی، نیازی به فراهم آوردن شرایط و مقدمات ندارند (همان، ۱۳۶۱، ص ۲۳۸). به همین سبب، به راحتی و سرعت به صورت‌های دیگر تبدیل می‌شوند (حکمت، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹) و انسان را در «تصویرسازی» مداوم و مختلف از افعال یاری می‌رسانند. مصداق این صور می‌تواند صور قبیح و خواطر شیطانی یا صور الهی و رحمانی باشد. به اعتقاد ملاصدرا، این رابطه مانند رابطه سایه و صاحب سایه است. همان طور که هر شیئی سایه دارد، اعمال و ملکات نفسانی نیز سایه وجودی خود را در بهشت و جهنم درون به جای می‌گذارند. بنابراین، از تمامی دریافت‌های انسان از حواس پنج‌گانه و افکار و نیات، صورت مثالی در مرتبه خیال صادر می‌شود و مجموع این صور مثالی قائم به نفس در هر فرد، عالمی مستقل به وجود می‌آورد که به آن، عالم خیال متصل گفته می‌شود (عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۱۴). نام دیگر عالم خیال متصل را می‌توان بهشت یا جهنم درون گذارد.

### انشاء صور (ادراک) در خیال و تکوین بهشت درون

تکوین بهشت و جهنم در درون انسان، ارتباط مستقیمی با فرایند ادراک دارد. طبق قاعده کلی «کل مدرک مجرد و کل مجرد مدرک»، مجرد مثالی قوه خیال، ادراک مثالی این مرتبه از نفس را اثبات می‌کند. فرایند ادراک در فرادیدگاه صدرالمتألهین، به صورت اتحاد و صدور است، نه حلول و قوام ادراک چیزی فراتر از حصول صورت معلوم برای عالم. صدرالمتألهین بر این باور است که صور خیالی، از نفس صادر شده و نفس، مصدر و علت وجودی این صور در وعای خود است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۱)

تصور هر امری در مرتبه خیال، مساوی با ادراک آن امر است و ادراک آن، مساوی با خلق و ایجاد است. به دیگر سخن، علم، همان حصول معلوم است و حصول معلوم، همان وجود معلوم است و وجود معلوم، چیزی جز خود معلوم نیست (شیروانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۵۲). بنابراین، فرایند ادراک، مساوی با تحقق صور در ذهن است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۱، ص ۱۰۵) و به محض تصور و تصدیق به فایده یک امر، ادراک و تحقق فعل را نتیجه می‌دهد. این بدان

معناست که آنچه صدرا در مورد قوه خیال و توانایی آن در صدور صور مثالی، مبتنی بر مبانی فلسفی مورد پذیرش خود بیان می‌کند، مبتنی بر «تکوین» نفس انسان است؛ یعنی انشای صور در مرتبه خیال نفس، به نحوه خلقت انسان برمی‌گردد. انسان تکویناً به گونه‌ای خلق شده است که در مرتبه خیال نفس، انشای صور کرده و شاکله درونی خویش را رقم می‌زند، البته به اذن و حول و قوه الله تعالی؛ اما در هر صورت، این اذن، تکوینی است (همان، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۳۲)<sup>۱</sup> و نه قراردادی. نفس انسان، این گونه خلق شده است که فارغ از آیین و مذهب خویش - چه کافر باشد یا مؤمن - صور وجودی مطابق اعمال او، در درونش خلق شود و غضب و لذت، شهوت، حسد، کبر، خودخواهی، تواضع، خضوع و علم و... شئون وجودی او گردند و البته یکی از مهم‌ترین اعمال، ایمان و کفر است. به همین سبب، پاداش و جزا در قیامت، مقابله و مقابله، نسبت، اعتبار و قرارداد نیست و هرکس با ملاحظه وجود خود، به بهشت و جهنم خویش فراخوانده می‌شود.

به سبب تکوینی بودن نتایج اعمال، علامه طباطبایی ملاک در حسنه و سیئه بودن اعمال را به دلیل اثری می‌داند که برای انسان حاصل می‌شود. به سبب آن آثار، اعمالی را حسنه، و اعمالی را سیئه می‌نامیم و جرم و اسکلت اعمال، نقشی در نسبت دادن حسن یا قبح به آن ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۲۱)

با توجه به این مطلب، اگرچه معرفت و عمل نیک «آگاهانه»، جایگاه انسان را ارتقا می‌بخشد، اما هر انسانی آگاهانه یا به صورت ناخودآگاه، هزاران صورت خیالی را خلق می‌کند و با این صور در فضای درونی خود انواع انفعالات مثبت و منفی را رقم می‌زند. در این صورت، اگرچه آگاهی و اختیار، ملاک پاداش اعمال به شمار می‌رود، اما با توجه به تکوینی بودن خلق صور درون انسان، از دریافت‌ها و ادراکات غیر اختیاری نیز صورت مثالی در درون انسان خلق می‌شود. شاید به همین سبب باشد که بزرگان اخلاق، به حفظ چشم از نگاه به امور مهمل

۱. «اعلم أن في حضرة الخيال في الدنيا يكون الحق محل تكوين العبد. فلا يخطر له خاطر في أمر ما إلا والحق يكون في هذه الحضرة - كتكوينه أعيان الممكنات إذا شاء ما شاء منها فشيئة العبد في هذه الحضرة من مشية الحق - العبد ما يشاء إلا أن يشاء الله فما شاء الحق إلا أن يشاء العبد في الدنيا ويقع بعض ما يشاء العبد في الدنيا في الحس وأما في الخيال فكشية الحق في النفوذ فالحق مع العبد في هذه الحضرة على كل حال ما يشاؤه العبد كما هو في الآخرة في حكم عموم المشية لأن باطن الإنسان هو ظاهره في الآخرة».



و حفظ گوش از شنیدن هر صدایی توصیه کرده‌اند. همان گونه که زیاد صحبت کردن، کراهت دارد، زیاد نگاه کردن به هر چیزی و گوش دادن به امور لغو نیز متناسب با بهشت نیست.

فاعلیت نفس در مرتبه خیال و خلق صور مثالی در درون انسان، با مضمون بسیاری از روایات معصومین علیهم‌السلام سازگار است. به عنوان مثال، اینکه در احادیث بسیاری، پاداش اذکار، «درخت» ذکر شده، به این معناست که صورت وجودی و ممثلی که نفس به ازای هریک از این اذکار خلق می‌کند، چیزی شبیه درخت است؛ صورتی مثالی و جزئی و دارای اندازه و شکل و مقدار در هیبت درخت بهشتی. در حدیثی، امام صادق علیه‌السلام از پدران گرامی اش از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین روایت کرده است: «کسی که سبحان الله بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند و کسی که الحمد لله بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند و کسی که لا اله الا الله بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌کند و کسی که الله اکبر بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند.» اگرچه ممکن است این درختان در بهشت بیرونی نیز خلق شوند، اما با توجه به اینکه هر عملی در درون انسان اثرگذار است، حقیقت ممثل این اذکار، در مرتبه خیال نفس به صورت درخت خواهد بود؛ چنان‌که در ادامه، مردی از قریش در آنجا بود و عرض کرد: ای رسول خدا! بنابراین درختان ما در بهشت زیاد است! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جواب فرمود: «نعم ولكن اياكم ان ترسلوا عليها نيرانا فتحرقوا! آری! ولی برحذر باشید از اینکه آتشی بر آنها بفرستید و آنها را بسوزانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۱۵۴).<sup>۱</sup> فرستادن آتش نیز مبتنی بر قدرت خلاقیت نفس است که صورت برزخی عملی را که منطبق بر آتش است، خلق کرده و سبب سوختن درختان بهشتی می‌گردد؛ همانند عمل متت گذاردن بعد از انفاق به نیازمندان.<sup>۲</sup>

۱. «من قال «سبحان الله»، غرس الله له بها شجرة في الجنة و من قال «الحمد لله»، غرس الله له بها شجرة في الجنة و من قال «لا اله الا الله»، غرس الله له بها شجرة في الجنة و من قال «الله اكبر»، غرس الله له بها شجرة في الجنة».

۲. «و قال أبو عبد الله علیه‌السلام: ... قال فسن أنفق ماله ابتغاء مرضاة الله، ثم ائتمن على من تصدق عليه كان... كمن كان له جنة كثيرة التمار، و هو شيخ ضعيف له أولاد صغار ضعفاء فتجيء ریح أو ناز فتخرق ماله كله؛ به نقل از امام صادق علیه‌السلام آمده است که هرکس مالش را در راه جلب خشنودی خداوند انفاق کند و سپس، بر کسی که انفاق کرده است، متت گذارد... همانند کسی است که باغی پُر از میوه دارد و خود، پیری ناتوان است و فرزندانی خردسال و ناتوان دارد؛ ناگهان بادی یا آتشی می‌آید و مالش را به کلی می‌سوزاند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۱۴۳، ح ۸)

مساوق بودن ادراک با وجود در قوه خیال، سبب می‌شود هر چیزی را که شخص بهشتی یا جهنمی ادراک می‌کند، فی البداهه نزد او حاضر شود: «لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ» (فصلت: ۳).<sup>۱</sup> مطابق این آیه، به صرف اشتها، تملک رخ می‌دهد. این توانایی، در وصف قدرت قوه خیال بهشتیان ذکر شده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۱-۱۹۲).  
 باین حال، قوه خیال در دنیا نیز همین قدرت را داراست و انسان می‌تواند به محض اراده، به هر نحو و شکلی که اراده شود و بدون نیاز به ابزار و مواد قبلی، هر چیزی را با هر شکل و خصوصیتی در مرتبه خیال نفس خلق کند. (همان، ص ۳۱)

این اراده، عین «تصورات و تصدیقات» انسان، به صدور فعل است و در واقع، همان مبدأ اولیه فعل به شمار می‌رود. ابن سینا در کتاب التعلیقات خود در توضیح و بیان حقیقت این نوع از «اراده» می‌نویسد: «هر فعلی در عالم کون و فساد، معلول اراده است؛ اما خود اراده، نیازی به اراده پیشینی ندارد. هر موجودی برای ایجاد، نیازمند تصورات خیالی و عقلی پیشینی است و تا زمانی که تصور صحیح و کاملی از آن نزد فاعل فراهم نگردد، آن امر محقق نمی‌شود. «تصورات»، در حقیقت، همان اراده بر انجام افعال هستند. بنابراین، متشخص بذاته و متخصص بذاته در صدور افعال، همان تصورات خیالی و عقلی هستند که عین اراده‌اند». (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۱۶۴-۱۶۵)

در این صورت، حتی اگر فعل، در مرحله تصور و تصدیق باقی بماند و به مرحله صدور در خارج نرسد، حقیقتی بر اساس «تصورات و تصدیقات» در درون انسان، خلق و صادر خواهد شد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۱، ص ۲۳۷). با توجه به این حقیقت، می‌توان فعل را دارای دو تحقق دانست: تحقق در درون و تحقق در خارج. قبل از تحقق فعل در خارج، فعل در ذات انسان، خلق و ایجاد می‌شود و بنا بر اعتقاد صدرالمتألهین، هویت انسان، حاصل اتحاد نفس با مدرکات و تصوراتش است و زمانی که فاعل، امری را تصور کند، آن امر در ذات فاعل، موجود خواهد شد و فاعل و فعل، عین یکدیگر خواهند شد (همان، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۴۵). در صورت تأکید و تکرار آن فعل، حقیقت خلق شده، برای همیشه در درون انسان باقی مانده و دنیای درون انسان را شکل می‌دهد و همراه او به آخرت منتقل می‌شود.

۱. «آنچه دلتان بخواهد، در بهشت برای شما فراهم است و در آن هرچه را بخواهید، برای شما موجود است».



در حدیثی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره میّت می فرماید: «خداوند بر روح او ۹۹ مار بزرگ مسلط گرداند که هر دم او را بیازارند که اگر یکی از آنها بر روی زمین بود، دیگر زمین چیزی نمی رویاند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۴۱)<sup>۱</sup>

هریک از این مارها، تمثیل اعمال نکوهیده انسان هستند. صدرالمتألهین در توضیح این حدیث می گوید: «این مارها که در حدیث به آن اشاره شده است، هم اکنون نیز موجودند و بیرون از ذات و نهاد میّت نیستند. این مارها پیش از مردن کافر نیز با او بوده اند؛ اما او نمی توانست قبل از کنار رفتن پرده از برابر دیدگانش، یعنی قبل از مرگ، آن را احساس کند؛ زیرا حس باطنش به جهت غلبه شهوات و کثرت شواعل ظاهری - که او را به خود مشغول و سرگرم می کرد - تخدیر شده بود. در نتیجه، نیش و گزش مارها را فقط پس از مرگ - که پرده زندگی مادی و طبیعی کنار می رود - به مقدار تعداد خلق و خوی های نکوهیده و شهوات و دل بستگی هایش نسبت به متاع دنیا در خود احساس می کند» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۹۱). این حدیث، شاهد دیگری بر انشای صور اعمال در درون انسان است.

### تفاوت فاعلیت خیال در تکوین بهشت درون و بهشت اخروی در دیدگاه ملاصدرا

تفاوت مهمی که در دیدگاه صدرالمتألهین، میان بهشت درون در دنیا و بهشت اخروی در روز قیامت وجود دارد، این است که مخلوقات در بهشت درون و در باطن انسان، موجودات مثالی هستند؛ درحالی که آفریده های خیال در آخرت، اعم از بدن و پاداش ها و عذاب های اخروی، مادی اند. به عبارت دیگر، سازه های «بهشت و جهنم درون در این دنیا» و «بهشت و جهنم اخروی در آخرت»، هر دو حاصل ادراکات مرتبه خیال هستند، با این تفاوت که آنچه قوه خیال در این دنیا خلق می کند، دو ویژگی دارد: ۱. در درون انسان و در مرتبه خیال نفس هستند؛ ۲. این مخلوقات، مثالی اند. آنچه قوه خیال در آخرت خلق می کند نیز دو ویژگی دارد: ۱. در خارج از نفس و بیرون از ذات انسان خلق می شوند؛ ۲. این مخلوقات، مادی و جسمانی هستند.

صدرالمتألهین، جسمانی بودن نعمات و عذاب های اخروی را که حاصل فاعلیت و خالقیت قوه خیال هستند، این گونه تبیین می کند: هرگاه نفس در مرتبه خیال، از قوت

۱. «و یسلط علی روحه تسعة و تسعون تنینا تنهشه لیس فیها تنین تنفح علی ظهر الارض فثبت شیئا».



بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند صور خلق شده در درون خود را در عالم خارج به صورت مادی نیز خلق کند. به عبارتی، نهایت قوت قوه خیال، زمانی رخ می‌دهد که انسان با تمرکز اراده خود و قوت همت، که همان تقویت بیش از اندازه قوه خیال است، موجود خلق شده در مرتبه خیال نفس را به موجودی مادی و حسی مبدل کند و به آن، وجود خارجی ببخشد. هر میزان که قوت قوه خیال بیشتر باشد، نوع موجودی که در جهان خارج خلق می‌نماید و مدت زمانی که موجود در عالم طبیعت باقی می‌ماند، متفاوت خواهد بود. (همان، ص ۵۹۸)<sup>۱</sup> آنچه شاهد بر این مدعای صدر است، فعل اولیای الهی و معصومین علیهم‌السلام در همین دنیا است که در قالب کرامات و معجزات، با قدرت خلاقیت نفس خویش، صور مادی را در عالم خارج خلق کرده‌اند.<sup>۲</sup> به همین سبب، در آخرت نیز نفس این صور مثالی را که در صقع خود دارد، می‌تواند به صورت مادی و جسمانی، خارج از ذات خود خلق کند.

صور در شدت و قوت، تابع نفس هستند و در مراتب ضعیف قوه خیال، در ذات نفس محصورند؛ اما در مراحل عالی‌تر، نفس هرآنچه را که در ذات خود ایجاد کرده است، به صورت موجودات عینی و مادی در عالم خارج محقق می‌کند و آثار مادی دارد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۲). این امر، علاوه بر اینکه دلیل محکمی بر وجود صور خلق شده

۱. «قال بعض أكابر العرفاء كل إنسان بخلق بالهمة في قوة خياله ما لا وجود له إلا فيها و العارف بخلق بالهمة ما يكون له وجود في خارج محل الهمة و لكن لا يزال الهمة يحفظها و لا يتودها حفظه ما خلقته فتي طراً على العارف غفلة من حفظ ما خلق عدم ذلك المخلوق انتهى».

۲. «اسماعیل بن عباس هاشمی می‌گوید: در روز عید می‌گویند که خدمت حضرت جواد علیه‌السلام رفتیم [و] از تنگدستی به آن حضرت شکایت کردم. حضرت، سجاده خود را بلند کرد [و] از خاک، قطعه‌ای از طلا گرفت؛ یعنی خاک به برکت دست حضرت به پاره‌ای طلای گداخته مبدل شد. آن را به من عطا کرد. من آن را به بازار بردم؛ شانزده مثقال بود.» (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۴۹؛ مدینه المعجزات، ج ۷، ص ۳۷۳؛ موسوعة الامام الجواد علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۵۳)

«ابوجعفر طبری از ابراهیم بن سعید نقل می‌کند: امام جواد علیه‌السلام را دیدم که بر برگ درخت زیتون دست می‌زد و آن برگ‌ها به برگ نقره تبدیل می‌شد. من آنها را از حضرت گرفتم و با آنها در بازار معامله نمودم. آن برگ‌ها، نقره خالص بود و هرگز تغییری نکردند.» (دلائل الامامة، ص ۳۹۸؛ موسوعة الامام الجواد علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۲۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۴۵) «کثیرین شاذان روایت می‌کند: خدمت امام حسین علیه‌السلام بودم که فرزندش علی اکبر، در غیر فصل، از ایشان انگور خواست. حضرت دست به ستون مسجد زد و انگور و موزی بیرون آورد و به او خوراند و فرمود: آنچه برای دوستان خدا نزد او هست، بیشتر است.» (حز عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۸۸)

در ذات انسان در نشئه دنیاست، معاد جسمانی مورد نظر صدرا را نیز تبیین می‌کند. غرض آنکه وقتی نفس با حیثیت فاعلی خود بتواند در دنیا، مخلوق مادی و جسمانی در عالم خارج ایجاد کند، در جهان آخرت هم که قدرت بیشتری از دنیا دارد، می‌تواند خلقتی مادی داشته باشد و بدن خود را به صورت مادی و جسمانی خلق کند<sup>۱</sup> (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۲۴۴). به اعتقاد صدرا، نفس در قیامت کبری، از طریق قوه خیال، بدن خود را تصور کرده و آن را در عالم خارج ایجاد می‌کند که اگرچه خلق این بدن، بدون مشارکت ماده است، اما بدن، مخلوق جسمانی و مادی است؛ با این تفاوت که صورت خلق شده در عالم دنیا، ماده‌ای غلیظ و متناسب با نشئه دنیوی است و بدن اخروی و نعمات اخروی که نفس تصور کرده و در عالم خارج خلق می‌کند، سازگار و تابع ساختار عالم آخرت است. (ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۶۰۶)<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

صدرالمتألهین با اثبات تجرد خیال و ارائه تعریفی جدید از حقیقت ادراک، جایگاه ویژه‌ای برای فاعلیت قوه خیال فراهم آورده است. قوه خیال، به سبب تجرد مثالی، قادر به ادراک برزخی است و این ادراک، به صورت انشای صور است. صور مثالی حاصل از ادراکات قوه خیال، در نهاد انسان و در مرتبه خیال نفس، بهشت یا جهنم درون را می‌سازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. در کتاب معاد جسمانی در حکمت متعالیه، این مطلب، محققانه و به تفصیل اثبات شده است. (پویان، ۱۳۸۸)  
۲. این، همان معنای معاد جسمانی است که صدرالمتألهین با بیان مقدمات و مبانی مختلف اثبات کرده و به آن معتقد است. با این بیان، معاد مورد اعتقاد صدرا، حقیقتاً جسمانی است؛ نه آن گونه که عده‌ای آن را مثالی گمان کرده‌اند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، التعليقات، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، بیروت: مكتبة الاعلام الاسلامی.
۳. پویان، مرتضی (۱۳۸۸ش)، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، قم: بوستان کتاب.
۴. حکمت، نصرالله (۱۳۸۴ش)، حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، تهران: فرهنگستان هنر.
۵. شیروانی، علی (۱۳۹۱ش)، ترجمه و شرح نهایی الحکمه، قم: بوستان کتاب.
۶. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، مفاتیح الغیب، مقدمه و تصحیح: محمد خواجهوی، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی (نرم افزار نورالحکمه از مجموعه نرم افزارهای نور).
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱ش)، العرشية، تصحیح: غلامحسین آهنی، تهران: انتشارات مولی (نرم افزار نورالحکمه از مجموعه نرم افزارهای نور).
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ش)، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، تصحیح و تعليق: سيد جلال الدين آشتیانی، مشهد: المركز الجامعی للنشر (نرم افزار نورالحکمه از مجموعه نرم افزارهای نور).
۹. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلية، ۹ جلد، بیروت: دار احیاء التراث (نرم افزار نورالحکمه از مجموعه نرم افزارهای نور).
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. \_\_\_\_\_ (بی تا)، الحکمة المتعالیة، حاشیه: علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم: مكتبة المصطفوی.
۱۲. طوسی، سید خلیل الرحمان (۱۳۹۲ش)، درآمدی بر اخلاق فلسفی در حکمت متعالیه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۴ش)، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران: سمت.
۱۴. الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، الجمع بین رأی الحکیمین، مقدمه و تعليق: البیر نصری نادر، تهران: انتشارات الزهراء.



۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۸ق)، فروع کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مکتبه الصدوق.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مجیدی خوانساری، غلامحسین (۱۳۸۵ش)، نهج الفصاحه؛ کلمات قصار پیامبر اکرم ﷺ، قم: انصاریان.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد با همکاری موسوی، سید رسول (۱۳۹۰ش)، بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی